



طباطبایی بنیان‌گذار حکمت نوصدرایی است/ عالمی که طرحی نو در انداخت

همایون همتی، مدرس ادیان و عرفان گفت: نظر به ابتکارات علامه طباطبایی، ایشان را باید بنیان‌گذار «حکمت نوصدرایی» بدانیم. ایشان تنها شارح صرف ملاصدرا نبود بلکه نظم جدیدی به فلسفه ملاصدرا داد.

همایون همتی، مدرس ادیان و عرفان گفت: نظر به ابتکارات علامه طباطبایی، ایشان را باید بنیان‌گذار; zwnj& حکمت نوصدرایی; raquo& بدانیم. ایشان تنها شارح صرف ملاصدرا نبود بلکه نظم جدیدی به فلسفه ملاصدرا داد.

همایون همتی، استاد ادیان و عرفان به مناسبت ایام بزرگداشت علامه طباطبایی در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: در مورد علامه طباطبایی از چند بُعد باید صحبت کرد؛ تحصیلات، تخصص و جامعیت علمی ایشان نشان می‌دهد از حیث جامعیت علمی انصافاً در بین همگنان خود و در روزگار خود کم نظیر بودند. امروز هم در حوزه‌های ما مثل ایشان انگشت شمارند که بتوان گفت تقریباً به همه علوم اسلامی احاطه داشته باشند. یعنی هم تفسیر، فقه، اصول، کلام و هم حدیث، منطق، فلسفه، عرفان و ... در همه علوم اسلامی صاحب‌نظر بودند. ایشان شخصیتی دانشنامه‌ای (encyclopedic) بود و در حوزه علمیه نجف شاگرد بزرگانی همچون آیت الله سید علی قاضی، آیت الله حسین بادکوبه‌ای، آیت الله خوانساری، میرزای نائینی و ... یا بزرگانی همچون شیخ محمد حسین غروی اصفهانی معروف به کمپانی بودند که هم عارف بود و هم فیلسوف و هم اصولی بسیار بزرگ و صاحب نظر و علامه نظریه ابتکاری; raquo& ادراکات اعتباری; raquo& را از این استادشان گرفتند که در; raquo& فلسفه اخلاق; raquo& کاربرد مهمی دارد.

این استاد دانشگاه افزود: علامه طباطبایی توانست حلقه درس فلسفه اش را در قم بنیان بگذارد و شاگردان بزرگی را بیوراند. همچون استاد مطهری، آیت الله جوادی آملی، آیت الله حسن زاده آملی، آیت الله مصباح و ... که هر کدام روشنی بخش حوزه علمیه قم بوده و هستند. روحیه شاگرد پروری علامه طباطبایی بسیار مثال زدنی است. طبق خاطراتی که از اساتید خودم شنیده‌ام ایشان بسیار مهربان و رئوف و متواضع بوده‌اند. در بحث‌ها خیلی رعایت انصاف می‌کردند و حریت فکری و آزادگی داشتند. اجازه اشکال به شاگردان می‌دادند و احساس برتری نسبت به شاگردان نداشتند به طوری که گویی هم درس آن‌ها هستند!

وی افزود: ایشان روحیه معنوی بالایی داشت و اهل مراقبه، خلوت، ذکر و ... بود و همین مراقبت; zwnj&های معنوی موجب شد خداوند به ایشان عنایت ویژه; zwnj&ای داشته باشد. بی‌کمترین چشم داشت مادی ایشان یک عمر در عرفان، فلسفه و تفسیر شاگرد تربیت می‌کند. این‌ها نکات مهمی است که اساتید امروز ما باید توجه کنند. تعریف می‌کردند برای ما که شب‌های پنجشنبه که درس; raquo& اصول فلسفه و روش رئالیسم; raquo& بود ایشان برای این که به موقع به محل درس برسند گاهی نوافل مغرب و عشا را بین راه می‌خواندند.

به نظرم می‌توان دست کم ۱۰ مورد نوآوری در آثار ایشان شمارش کرد. مانند برهان صدیقین، قوه و فعل و حرکت جوهری، مراتب و درجات علم حضوری و ... در سالیانی که دو کتاب; raquo& بدایة الحکمه; raquo& و; raquo& نهایة الحکمه; raquo& ایشان را تدریس می‌; zwnj&کردم متوجه این ابتکارات شدم

همتی با بیان این که علامه طباطبایی در فلسفه اسلامی نوآوری‌هایی داشت، اضافه کرد: به نظرم می‌توان دست کم ۱۰ مورد نوآوری در آثار ایشان شمارش کرد. مانند برهان صدیقین، قوه و فعل و حرکت جوهری، مراتب و درجات علم حضوری و ... در سالیانی که دو کتاب; raquo& بدایة الحکمه; raquo& و; raquo& نهایة الحکمه; raquo& ایشان را تدریس می‌; zwnj&کردم متوجه این ابتکارات شدم. در حاشیه‌های ایشان بر کتاب; raquo& اسفار ملاصدرا; raquo& نیز ابتکاراتی دارند که نشان می‌دهد عالمی بودند که شهادت اظهار نظر و مخالفت با بزرگان و در افکندن طرحی نو داشتند.

وی همچنین گفت: ای کاش حاشیه‌های ایشان بر; raquo& اسفار; raquo& به طور جداگانه ویرایش و چاپ شود. هر چند در; raquo& تعلیقه; zwnj&ای; raquo& که آقای مصباح به عربی بر کتاب نهایة الحکمه ایشان نوشته‌اند که به فارسی نیز ترجمه شده به برخی از این ابتکارات علامه طباطبایی اشاره شده است. با توجه به ابتکارات ایشان بر; raquo& اسفار; raquo& و همچنین کتاب; raquo& بدایة الحکمه; raquo& و; raquo& نهایة الحکمه; raquo& و به ویژه کتاب; raquo& اصول فلسفه و روش رئالیسم; raquo&، ایشان را باید بنیان‌گذار; zwnj& حکمت نوصدرایی; raquo& بدانیم. ایشان تنها شارح صرف ملاصدرا نبود بلکه نظم جدیدی به فلسفه ملاصدرا داد. مثلاً بخش‌هایی مثل طبیعیات و علم النفس را حذف

کردند. باید اساتید به این ابتکارات دقت کنند و دیدگاه‌های فلسفی-کلامی ایشان حتی به زبان‌های اروپایی و ... ترجمه شود.

همایون همتی اظهار داشت: درست است که بعد از ملاصدرا ملا محسن فیض، آخوند ملا علی نوری، آقا محمد بیدآبادی، آقا محمد رضا قمشه‌ای، حکیم سبزواری، میرزا هاشم اشکوری و ... بوده‌اند و یک عمر اسفار تدریس کرده‌اند، اما ابتکارات، حرّیت و نوآوری که در آثار علامه طباطبایی است در آن‌ها نیست. آن‌ها صرفاً مدرس و شارح بوده‌اند اما علامه طباطبایی بر شانه‌های ملاصدرا ایستاده است.

علامه طباطبایی توانست از این فلسفه برای جلوگیری از نشر افکار مارکسیست‌ها و حزب توده استفاده کند این کار فلسفه ملاصدرا را به مضاف مارکسیسم و اندیشه‌های الحادی بردن است. او از فلسفه ملاصدرا دژی ساخت تا نگاهبان شریعت و تفکر دینی باشد.

همتی با بیان این که علامه طباطبایی توانست از این فلسفه برای جلوگیری از نشر افکار مارکسیست‌ها و حزب توده استفاده کند افزود: کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم حاصل چنین عزمی است. به روایت استاد مطهری وقتی ایشان می‌بیند که توده‌ای‌ها دارند جوان‌ها را با ماتریالیسم دیالکتیک، بحث تضاد، حرکت، زمان و ... فریب می‌دهند، همچنین بحث‌هایی چون مساوی بودن وجود با ماده یا این که دین از قسم ایده‌آلیسم و ذهن‌گرایی و خرافه‌اندیشی است، آن جلسات را برپا می‌کند و بزرگانی چون آقایان مطهری، مصباح، منتظری و ... در درس‌ها اشکال‌های را مطرح می‌کنند و ایشان پاسخ می‌دهد که حاصلش می‌شود ۵ جلد کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم که یک نوع کلام مقایسه‌ای (comparative theology) است و انصافاً حاشیه‌های مرحوم مطهری هم انصافاً بر ارزش این کار افزوده است.

وی خاطرنشان کرد: این کار فلسفه ملاصدرا را به مضاف مارکسیسم و اندیشه‌های الحادی بردن است. او از فلسفه ملاصدرا دژی ساخت تا نگاهبان شریعت و تفکر دینی باشد. امروز در غرب در جاهایی مانند دانشگاه پادربورن آلمان مجله‌ای با نام «الهیات مقایسه‌ای» راه افتاده و گرایشی در دکتری برای این منظور به راه انداخته‌اند. البته من کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم را نوعی کلام فلسفی یا «الهیات فلسفی» (philosophical theology) هم می‌دانم که در حال حاضر یک نحله فلسفی در غرب محسوب می‌شود. حتی این کتاب را گونه‌ای از فلسفه دین (philosophy of religion) می‌دانم که ایشان در این کتاب بدون استناد به آیات و احادیث، بر مبنای «الهیات طبیعی» و «الهیات عقلی و با تکیه بر اصول متقن فلسفی مباحث دینی را مطرح کرده است.

همایون همتی درباره بعد عرفانی علامه طباطبایی نیز گفت: این بعد ایشان به دلایلی کمتر مورد بحث قرار گرفته است. کتاب «رسالة الولاية» یا ولایت نامه ایشان را افتخار داشتم در سال ۶۵ ترجمه کردم و چون رزمندگان ما در جبهه‌ها تازه‌ها را گرفته بودند به رزمندگان دفاع مقدس تقدیم کردم. چاپ جدید این کتاب با مقدمه‌ای جدید به زودی منتشر می‌شود. در مقاله‌ای نیز به اصول عرفان علامه طباطبایی پرداخته‌ام. عرفان ایشان شرعی، متشرعانه و بدون بدعت، آلودگی و پیرایه‌ها و عرفانی توحیدی مبتنی بر آیات و احادیث و مبتنی بر پایه‌های متقن و استوار فلسفی بود. به دور از شعار سرایی، ادعاهای قلندرانه و سخنان خطابی و به دور از افراط و تفریط‌های صوفیانه بود.

عرفان ایشان شرعی، متشرعانه و بدون بدعت، آلودگی و پیرایه‌ها و عرفانی توحیدی مبتنی بر آیات و احادیث و مبتنی بر پایه‌های متقن و استوار فلسفی بود. به دور از شعار سرایی، ادعاهای قلندرانه و سخنان خطابی و به دور از افراط و تفریط‌های صوفیانه بود.

وی افزود: این عرفان امروز سخت مورد نیاز است. عرفان‌های عصر جدید (new age) را ببینید از یوگا و عرفان شمنی گرفته تا افکار اوشو، پائولو کوئیلو و کریشنا مورتی و دیگران. در این میدان نیاز به عرضه عرفان پاک اسلامی است که سیره عملی توحیدی اهل بیت علیهم السلام است. علامه طباطبایی در رساله الولاية خطوط این عرفان را ترسیم نموده‌اند و میانی فلسفی آن را به سادگی توضیح می‌دهند چون این عرفان پایه‌های فلسفی دارد. این عرفان، عرفان استدلالی و فلسفی مآب است و صرفاً حرف‌های ذوقی احساس برانگیز نیست.

همتی همچنین گفت: این عرفان حتی فراتر از عرفان ابن عربی و شاگردش صدرالدین قونوی است. معروف است که این دو تن عرفان اسلامی را فلسفی مآب کرده‌اند. علامه طباطبایی روشی را برای عرفان در این کتاب ارائه می‌دهند که این روش متعلق به ملا حسین قلی همدانی و آیت الله قاضی است که همان «روش معرفت نفس» است. بر اساس همان حدیث معروف که می‌گوید: من عرف نفسه فقد عرف ربه. البته کسانی در درستی این حدیث

تشکیک کرده اند اما حدیث معتبری است و امام خمینی در آثار خودش (اربعین و چهل حدیث و صلاة العارفین) این حدیث را نقل می کند. همچنین عرفای معاصر شیعه نیز این حدیث را نقل کرده اند.

وی سپس عنوان کرد: به فرض هم این حدیث را از ما بگیرند نزدیک به ۲۲ حدیث از مولا علی (ع) در کتاب «غررالحکم و درر الکلم» وجود دارد مبنی بر این که اعرفکم بنفسه اعرفکم برّبه یا این حدیث که می گوید معرفة النفس انفع المعارف. علامه طباطبایی این نفس را روح مجردی می داند که از طریق روح مجرد و علم حضوری است که دریچه ای از عالم طبیعت به روی ملکوت و غیب و عالم مجردات برای ما باز می شود. عرفان همین علم حضوری است که از طریق این آینه روح، شاهد تابش انوار و تجلیات حق تعالی خواهیم بود. راه آن نیر ذکر، تقوا، بندگی و تهذیب نفس است. در این رساله علامه طباطبایی یک مدلی به دست می دهد برای این مسیر.

همتی پیرامون توصیه به نسل جوان برای آشنایی با عرفان اسلامی نیز گفت: بعد از ۴ دهه تدریس مباحث عرفان تطبیقی توصیه ام به نسل جوان این است که اگر می خواهند با یک عرفان پاک و نیالوده و بی بدعت آشنا شوند، یعنی عرفانی که برخاسته از قرآن و روایات است، این رساله را دقیق بخوانند. حضرت آیت الله جوادی آملی (دام ظلّه) نیز ۶۰ جلسه این رساله را شرح کرده اند که تحت عنوان «شرح رساله الولایه» در ۲ جلد به چاپ رسیده است. البته بیان ایشان بسیار تخصصی و پیچیده است و برای نسل جوان قابل استفاده نیست اما ترجمه رساله ولایت خیلی گویا و رسا و به زبان ساده است. ترجمه این کتاب برای فرونشاندن آن عطش و جوع معنوی نسل جوان خیلی می تواند مؤثر باشد. اگرچه عرفان راهی است که نیاز به استاد، مرشد و مربی دارد.

ایشان جلساتی با هانری کربن و عده ای از تحصیل کردگان اروپا رفته داشتند و هفته ای یک شب از قم به تهران می آمدند آن هم با اتوبوس و نه راننده شخصی و نه ماشین شخصی و هیچ امکاناتی. ساعت ها می نشستند و کسانی مثل دکتر نصر، مهندس بازرگان، داریوش شایگان، هانری کربن و خیلی افراد دیگر حضور داشتند. متون را می خواندند و ایشان تفسیر و اظهار نظر می کرد

وی همچنین عنوان کرد: بنده علامه طباطبایی را فیلسوف، عارف، اصولی، فقیه، متکلم و متأله ای جامع می دانم که در زمانه خودش می‌زیست. امروز باید به شبهه های زمان خودمان جواب بدهیم. باید شبهات مارکس، راسل، دورکیم، فروید، ریچارد داوکینز و بی‌خدایان جدید را جواب داد. علامه طباطبایی الگو و اسوه ای برای ماست که فیلسوفان ما توجه کنند در کنار تدریس مباحث فلسفی به مسایل روز نیز سری بزنند. ایشان جلساتی با هانری کربن و عده ای از تحصیل کردگان اروپا رفته داشتند و هفته ای یک شب از قم به تهران می آمدند آن هم با اتوبوس و نه راننده شخصی و نه ماشین شخصی و هیچ امکاناتی. ساعت ها می نشستند و کسانی مثل دکتر نصر، مهندس بازرگان، داریوش شایگان، هانری کربن و خیلی افراد دیگر حضور داشتند. متون را می خواندند و ایشان تفسیر و اظهار نظر می کرد.

همتی سپس گفت: انصافاً در حال حاضر چند عالم داریم که این گونه باشند؟ که اصلاً حاضر باشد یک روشنفکری را که اروپا درس خوانده است و امروزی است را تحمل کنند و حرف او را بشنوند و سوالاتش را جدی بگیرند و پاسخ دهند. عالم مجاهد و برادر ارجمندم آیت الله سید هادی خسروشاهی که انصافاً حق عظیمی بر گردن جامعه ما دارند و مجموعه رساله های علامه را با اجازه خودش به چاپ رسانده اند، مجموعه گفت و گوهای ایشان با هانری کربن را نیز در ۳ جلد منتشر کرده اند. بالاخره هانری کربن پروفیسور بوده و استاد دانشگاه سوربن و از شخصیت‌های معروف و معتبر فلسفه در اروپا.

وی در ادامه درباره تدریس آثار علامه طباطبایی در دانشگاه های جهان گفت: در همان ابتدا که دانشگاه هاروارد یک دانشکده الهیاتی را راه اندازی نمود یک واحد تحقیق در ادیان جهانی را به وجود آورده بود و چون می خواستند مذهب تشیع را معرفی کنند کتابی خواسته بودند. به همین دلیل دکتر نصر از علامه خواهش کرده بود و ایشان نیز کتاب «شیعه در اسلام» را می نویسند. دکتر نصر این کتاب را به انگلیسی ترجمه می کند و هنوز هم این کتاب در برخی دانشگاه های آمریکا یک کتاب درسی است. اگرچه با توجه به شرایط جدید و آثار جدید این کتاب کاستی ها و افتادگی هایی دارد که نیاز به بازنویسی و روزآمد شدن دارد.

همتی اضافه کرد: این آثار و همچنین بزرگانی که ایشان تربیت نمودند بزرگ ترین میراث علامه هستند که برای ما به جای گذاشته اند و از این جهت دین عظیمی بر گردن نسل ما دارند. بنده هم افتخار داشتم از محضر بزرگانی مثل آیت الله خوشوقت و علامه جوادی آملی که از شاگردان ایشان بوده اند استفاده کنم. امروز نیاز به مقایسه افکار علامه با فیلسوفان بزرگ غربی داریم. خوشبختانه گاهی در پایان نامه ها و ... در ایران و خارج از کشور این مقایسه را می بینیم.

تدریس آثار ایشان نیز لازم است اما مهم تر از همه شرح و بسط و توضیح دیدگاه ها و مخصوصاً ابتکارات ایشان و درس گرفتن از حرّیت فکری ایشان است. هیچ گاه نباید از نام بزرگ بزرگان بهراسیم و باید بدانیم که علم همواره وارثانی دارد و وقف یک قرن و یک نسل و یک قوم خاص نبوده و نیست.